

در امتداد تاریکی

## سرگذشت تلخ دختر ۱۳ ساله!

هنوز در کوچه لی لی بازی می کردم که مادرم دستم را گرفت، چادر سفید بر سرم انداخت و پای سفره عقد نشاند و با انگشتری «نشانم» کردند و من از دیدن برق طلای انگشتر فقط ذوق می کردم تا این که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۳ ساله ای است که به دلیل فرار از منزل در پارک ملت شناسایی شده و در پناه ماوران انتظامی قرار گرفته بود. این دختر نوجوان که سنگ صوری را برای درد دل هایش پیدا کرده بود، سفره عقدۀ کودکی هایش را گشود و به کارشناس اجتماعی کلانتری سجاد مشهد گفت: در یکی از روستاهای تربت جام زندگی می کردم، پدرم کارگری ساده بود و به سختی می توانست مخارج زندگی ما را تامین کند چرا که بیشتر اوقات را بیکار بود و نمی توانست کارگری کند. من هم در همان دوران کودکی ترک تحصیل کردم و به دنبال گوسفندان می دویدم یا در کوچه محل سکونتمان لی لی بازی می کردم. وقتی به ۱۲ سالگی رسیدم، روزی مادرم دستم را گرفت و مرا از همبازی هایم جدا کرد. او چادر سفید زیبایی را بر سرم انداخت و مرا به میان مهمانانی برد که در خانه نشسته بودند. او می گفت: «رمضان» قصد ازدواج یا تو را دارد. چند بار او را در کوچه های روستا دیده بودم اما مدتی بود که می گفتند از روستا به شهر رفته و در مشهد کارگری می کنند. خلاصه آن شب انگشتری را به عنوان «نشان» به من دادند و من در همان عالم کودکی از دیدن زرق و برق انگشتر پلای ذوق زده شده بودم. آن ها عاقدی آوردند تا خطبه عقد بین من و رمضان جاری شود چرا که هنوز به سن قانونی نرسیده بودم و بنا به گفته مادر ما ازدواجمان ثبت محضری نمی شد. رمضان جوانی ۲۴ ساله بود و در منطقه کوهسنگی مشهد به طور مجردی زندگی می کرد. او برای یافتن کار از روستا به مشهد آمده بود و با اجاره یک منزل کارگری می کرد. در این شرایط من با استفاده از هر فرصتی برای بازی کردن با دوستانم به داخل کوچه می دویدم و از خریدهایی که خانواده داماد برای من انجام می دادند، خوشحال می شدم اما چیزی از ازدواج و زندگی زناشویی نمی دانستم. در همین حال روزی بزرگ تر تصمیم گرفتند این آن که رمضان از تنهایی بیرون بیاید، مرا نیز زاهی مشهد کنند تا در کنار او باشم. این گونه بود که از همه دبلیستگی های کودکانه ام جدا شدم و به مشهد آمدم. هنوز در افکارم صحنه های خاله بازی را مرور می کردم که در برابر مسئولیت شوهرداری قرار گرفتم اما باور کنید پذیرش و تحمل زندگی زناشویی را نداشتم و روزهای تلخی را می گذراندم. بارها از دست رمضان فرامی کردم و به منزل پدرم می رفتم. خیلی دوست داشتم هنوز هم به گوشه اتاق پناه ببرم و با عروسک های پارچه ای ام بازی کنم اما آن ها باز هم مرا اکت می زدند و نصیحتن می کردند که باید به خانه شوهرم بازگردم و به خواسته های او عمل کنم ولی من راه و روش شوهرداری را نمی دانستم یعنی اصلا معنای زندگی زناشویی را نمی فهمیدم. از سوی دیگر هم نامزدم از این رفتارهای من نگران بود اما همه تلاشش را می کرد تا من ناراحت نشوم. او می خواست من مطابق میل او رفتار کنم ولی افکار من آماد پذیرش این مسئولیت بزرگ نبود. به همین دلیل عذاب وجدان داشتم چرا که می دانستم همسرم جوان خوبی است و مرا دوست دارد. از طرف دیگر نیز می ترسیدم به خانه پدرم بازگردم چون آن ها مرا به خانه راه نمی دادند. این بود که تصمیم به فرار از خانه رمضان گرفتم و به پارک ملت رفتم. آن جا سرگردان بودم و برخی برایم ایجاد مزاحمت می کردند. در همین حال بود که نیروهای انتظامی از راه رسیدند و زمانی که متوجه شدند از خانه فرار کرده ام مرا به کلانتری آوردند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ انوریان (رئیس کلانتری سجاد) و با راهنمایی های مشاور کلانتری، بررسی های روان شناختی و حقوقی این ماجرا با دعوت از همسر و نزدیکان این دختر ۱۳ ساله آغاز شد. ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

اختصاصی خراسان

اعترافات وحشتناک زنی که بهار ۳ ساله را کشت

# پوچ گرایی در صفحه آخر!



عکس ها اختصاصی خراسان

آرام این اختلافات خانوادگی شدت گرفت و با آن که «بهار» به دنیا آمده بود ولی من هیچ گونه شادمانی را در خودم احساس نمی کردم، در واقع به زنی افسردۀ دو گوشه گیر تبدیل شدم تا حدی که روابط سردی بین ما حکمفرما شد و زمزمه های طلاق و جدایی در میان گفتار مان پیچید.

خلاصه کار به جایی رسید که دیگر از هم طلاق عاطفی گرفته بودیم و در اندیشه

طلاق رسمی زندگی می کردیم. متهم این پرونده جنایی ادامه داد: در همین روزها من به «کافه های کتاب» می رفتم، جایی که کتاب هایی را برای

مطالعه امانت می دادند و گاهی نیز به نقد و تجزیه و تحلیل مطالب کتاب می پرداختم. در یکی از این روزها بود که کتابی را که نویسنده آن یک خارجی است به امانت گرفتم (اشاره وی به کتابی از اوربانا فالچی نویسنده ایتالیایی است). با مطالعه آن کتاب به پوچی رسیدم و این که اصلا برای چه زندگی می کنیم؟ هر چه به صفحات آخر کتاب نزدیک تر می شدم این افکار و احساس بیهودگی در وجودم بیشتر ریشه می دادند و آن نوشته ها را با زندگی خودم در هم می آمیختم و از سوی دیگر هم به آینده دختر سه ساله ام می اندیشیدم که پس از من یا طلاق، چه سرنوشتی پیدا می کند! چگونه می تواند در میان این همه پوچی و بیهودگی به زندگی خود ادامه دهد؟ این بود که در آخرین صفحه کتاب تصمیم خودم را گرفتم و مطالبی را وصیت گونه در صفحه آخر آن نوشتم که ... زن جوان اشک هایش را پاک کرد و ادامه

تصمیم به قتل دخترش گرفته و او را در حالی که خواب بوده، از پشت بام طبقه چهارم ساختمان به پایین پرت کرده است. ادامه گزارش روزنامه خراسان حاکی است وقتی معاینات و بررسی های پزشکی نشان داد که زن جوان دچار بیماری های روانی نیست، او با دستور قاضی ویژه قتل عمد راهی زندان شد تا تحقیقات قضایی در این باره تکمیل شود. به همین دلیل زن جوان پس از گذشت مدتی از این حادثه وحشتناک به محل وقوع قتل «بهار» انتقال یافت تا جزئیات این جنایت را تشریح کند. او که به سوالات تخصصی



قاضی «محمود عارفی راد» در صحنه قتل، پاسخ می داد، پس از معرفی کامل خود گفت: همسرم پرستار است و من هم در رشته کارشناسی علوم تربیتی تحصیل کردم اما از چند سال قبل اختلافاتی بین من و همسرم شروع شد. ما با هم هیچ تفاهم و سازگاری اخلاقی نداشتیم، تازه فهمیدم که در انتخابم اشتباه کرده ام و نباید با او ازدواج می کردم. زن ۳۲ ساله ادامه داد: آرام

چهره ای آشفته و جسمانی خیره از پله های ساختمان پایین آمد. دقایقی بعد با حضور قاضی «محمود عارفی راد»، بررسی های تخصصی و قضایی در باره چگونگی سقوط دخترک از پشت بام آغاز شد اما قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب در همان نگاه اول به دیوار کوتاه پشت بام، بی درنگ دستور دستگیری مادر ۳۲ ساله «بهار» را صادر کرد چرا که کودک مذکور نمی توانست از دیوار «دور چین» پشت بام بالا رود و ماجرا رنگ و بوی جنایت داشت. در همین حال مقام قضایی با طرح چند سوال اعتراضی بر اساس تجربیات قضایی، دریافت که

مادر بهار سه ساله به دلیل اختلافاتی که با همسرش دارد، دست به جنایتی هولناک زده است. گزارش روزنامه خراسان حاکی است در حالی که زن ۳۲ ساله در میان اظهارات خود به قتل دخترش اعتراف کرد، قاضی «عارفی راد» دستور انتقال وی به بیمارستان روان پزشکی مشهد را صادر کرد و بدین

ترتیب تحقیقات گسترده کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سرهنگ نوریان (افسر وقت جنایی آگاهی) آغاز شد. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که زن جوان از حدود شش سال قبل با همسرش که از اعضای کادر درمانی یکی از بیمارستان های مشهد است، ازدواج کرده اما در ادامه زندگی مشترک دچار اختلافات خانوادگی شده و حتی تا مرز طلاق پیش رفته اند.

در اثنای همین روابط سرد عاطفی ناکهان زن جوان

سیدخلیل سجادپور- زن جوانی که دختر سه ساله اش را از پشت بام طبقه چهارم ساختمان محل سکونتش پایین انداخت و او را به طرز دلخراشی کشت، روز گذشته در اعتراضات وحشتناک مدعی شد تحت تاثیر مطالعه کتابی از یکی از نویسندگان ایتالیایی قرار گرفته و در صفحه آخر آن به پوچ گرایی رسیده است! به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح بیستم خرداد گذشته خبر وحشتناک سقوط یک دختر سه ساله از پشت بام ساختمانی در منطقه کوهسنگی مشهد، اهالی محل را هراسان از خانه هایشان بیرون کشید. این خبر تلخ دل ها را تکان داد و لحظاتی بعد دهان به دهان پیچید. نیروهای امدادی با تماس ساکنان محل، آژیر کشان به محل وقوع حادثه رسیدند اما دخترک در دم جان باخته بود و علایم حیاتی نداشت.

طولی نکشید که نیروهای انتظامی هم از راه رسیدند و با حفظ صحنه سقوط دختر ۳ ساله، در حالی مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند که مادر کودک با



## عاملان سرقت در استانبول در مشهد دستگیر شدند

# دستبرد ۲۰ هزار دلاری باقهوه ترک!



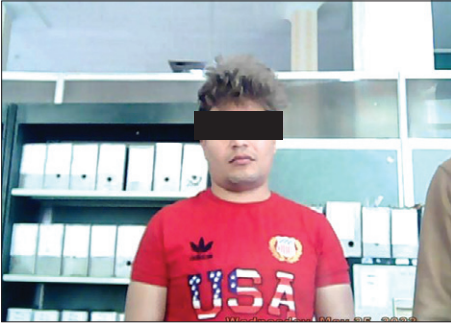
سارق را به دام انداختند. متهمان اگر چه ابتداسعی کردند سرقت از مدیر شرکت در ترکیه را انکار کنند اما در بازجویی های فنی لب به اعتراف گشودند و به سرقت ارزهای خارجی با ترند بیهوش کردن مال باخته اقرار کردند. بررسی های بیشتر برای کشف جرایم احتمالی دیگر آنان در پلیس آگاهی مشهد ادامه دارد.

پلیس آگاهی مشهد، وارد عمل شدند و با توجه به ردزنی گوشی تلفن تاجران قلابی، مخفیگاه آنان را در مشهد شناسایی کردند. آن ها سپس با کسب مجوزهای قضایی و در یک عملیات ضربتی موفق شدند مالک شمارۀ تلفن مذکور را دستگیر کنند اما او فقط یک کارت ن خواب معتادی بود که در زیر پل ها می خوابید و سارقان با استفاده از شرایط این مرد معتاد، سیم کارتی را از شرکت های تلفن همراه با مدارک وی خریداری کرده بودند. با لورفتن این ماجرا، شگرد پلیسی کارآگاهان با راهنمایی های فرمانده انتظامی مشهد برای شناسایی مخفیگاه متهمان تغییر کرد و آن ها پس از چند روز رصد های پلیسی موفق شدند با استفاده از سامانه های محرمانه، هویت واقعی متهمان تحت تعقیب را از طریق فرودگاه های کشور به دست آورند. کارآگاهان سپس مشخصات آنان را به نیروهای مرزبانی نیز اعلام کردند تا از کشور خارج نشوند و سپس با بررسی های نامحسوس پاتوق آن ها را در یکی از شهرک های حاشیه مشهد شناسایی کردند و در یک عملیات هماهنگ هر دو

به سوی دفتر یک شرکت باربری حرکت کردند که مدیر آن مردی ایرانی بود. دو جوان که خود را تاجر بزرگی معرفی می کردند با مدیر شرکت تماس گرفته و از او خواسته بودند مقدمات حمل و نقل کالا های آن ها را در استانبول به عهده بگیرد. ساعتی بعد تاجران قلابی به دفتر مدیر شرکت رسیدند و گفت و گوهای آنان برای بستن قرار داد حمل و نقل کالا آغاز شد. در این میان مدیر ایرانی شرکت با قهوه ترک و نسکافه از مشتریان مشهدی خود پذیرایی کرد ولی طولی نکشید که بیهوش روی زمین افتاد و به خواب عمیقی فرو رفت. تاجران قلابی هم که مواد بیهوش کننده و خواب آور درون فنجان قهوه ترک ریخته بودند، با خیال راحت به جمع آوری دلار و لیر های مدیر شرکت پرداختند. آن ها بنا به ادعاهای وکیل شرکت ۲۰ هزار دلار آمریکایی و ۵۰ هزار لیر ترکیه را به سرقت برده و به ایران گریخته بودند. گزارش روزنامه خراسان حاکی است به دنبال اعلام این شکایت و با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) گروه تخصصی از کارآگاهان

سجادپور- تاجران قلابی که از مشهد به ترکیه رفته بودند با شگرد خاصی به پول های مدیر ایرانی یک شرکت باربری دستبرد زدند اما طولی نکشید که در دام کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد افتادند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، آخرین روز فروردین گذشته، دو جوان ایرانی که با لهجه غلیظ مشهدی سخن می گفتند، در فرودگاه استانبول از هواپیما خارج شدند و



## داماد خشمگین، همسر و مادر زنش را با شلیک گلوله مجروح کرد

توکل- فرمانده انتظامی کهنوج از مجروح شدن همسر و مادر زن به دست دامادشان در این شهرستان خبر داد و گفت: عامل این تیراندازی به چنگ پلیس افتاد. به گزارش خراسان، سرهنگ امیری بیان کرد: داماد خانواده با حضور در منزل پدر زن خود به دلیل اختلافات قبلی با آن ها در گیر می شود و در ادامه با تیراندازی و شلیک گلوله در جریان این نزاع درگیری، همسر و مادر همسرش را از ناحیه پا و شکم مجروح و

رئیس کل دادگستری استان کرمان خبر داد:

## رسیدگی ویژه به قتل ۱۰ نفر در رفسنجان

مطرح است. نماینده عالی قضایی استان کرمان به نشست مشترک با مسئولان امنیتی و انتظامی شهرستان رفسنجان اشاره و بیان کرد: توجه به دغدغه مردم در زمینه سامان دهی اتباع بیگانه موضوع مهمی است و در این خصوص طرح هایی برای سامان دهی اتباع بیگانه مجاز مطرح شده است و اتباع غیر مجاز نیز طرد خواهند شد. وی اظهار کرد: در پرونده قتل اخیر که یک تبعه افغانستانی ۱۰ نفر شامل شش افغانستانی و چهار ایرانی را به قتل رسانده است تصمیم گرفته شد به قتل اتباع ایرانی و افغانستانی به صورت جداگانه رسیدگی شود زیرا دسترسی به خانواده های مقتولان افغانستانی دشوارتر از خانواده های مقتولان ایرانی است.

کرمانی- پرونده حادثه دلخراش بهرمان رفسنجان به صورت ویژه در دست رسیدگی قرار دارد.

به گزارش خراسان، رئیس کل دادگستری استان کرمان از رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده حادثه اخیر بهرمان رفسنجان که به قتل ۱۰ نفر انجامید، خبر داد و گفت: از ابتدای وقوع این حادثه تا کنون رسیدگی ویژه به این پرونده در دستور کار دادگستری استان کرمان بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم حمیدی در حاشیه بازدید از بخش صفاثیهر رفسنجان در جمع خبرنگاران اظهار کرد: مقرر شد که روند رسیدگی به این پرونده بر اساس تفکیک مدنظر انجام شود زیرا در این پرونده قتل چهار شهروند ایرانی و شش تبعه افغانستانی

آگاهی دعوت مجامع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت برق گیر نوین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۷۳۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۳۸۸۰۰ بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت فوق دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخه ۱۳۰۱/۶/۲۲ در ساعت ۱۰ در محل استان خراسان رضوی، شهرستان بابلاد، بخش شاندرین، دهستان شاندرین، روستا شهرک صنعتی طوس، محله ندارد، خیابان تلاش شمالی ۱۰/۳، خیابان تلاش شمالی ۱۰، پلاک ۹، قطعه ۴۹۷، طبقه همکف کدپستی: ۹۱۸۵۱۷۵۴۹۲ حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- انتخاب مدیران  
۲- انتخاب بازرسین اصلی و علی البدل  
۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار  
۴- تصویب صورتهای مالی

هیئت مدیره